



این شرح بی‌نیاهیت...

پاکی درون، دلیل درستی پینش است.

امام علی (ع)

بهار در زمستان

اگر بخت و اقبال یاری کند
مرا یار من غمگساری کند
درین کار اگر یار یابد مرا
جزا و کس نخواهم که یاری کند
چو بر آسمان اسب یابد مسیح
چرا بر زمین خرسواری کند
توانی که بی شمع رویت مرا
چراغ فلک خانه تاری کند
گر از رنگ و بوی تو یابد مدد
دی اندر زمستان بهاری کند
ز دست تو ای جان چو آب حیات
شراب اجل خوشگوار ی کند
ولی بی گل روی تو سبب را
مزه در ره چشم خاری کند

سیف فرغانی

تقویم تاریخ

مرگ فیلسوف بزرگ

۲۳۳۶ سال پیش، برابر با یکم اکتبر ۲۳۲۲ پیش از میلاد، ارسطو فیلسوف، آموزگار و دانشمند بزرگ یونان باستان که افکار و روش‌های او بیش از سایر فلاسفه دوران کلاسیک در جهان نفوذ داشته است در ۶۲ سالگی درگذشت. استادش افلاطون او را معجز آکادمی و بزرگترین کتابخانه لقب داده بود. ارسطو در سال ۳۴۲ قبل از میلاد به دعوت فیلیپ مقدونی به آن سرزمین رفت و مربی فرزند او اسکندر شد. ارسطو انسان را از افراط در هر کار بر حذر داشته و اعتدال و میانه‌روی را توصیه کرده و سعادت را در تاش برای رسیدن به آرزو یابن به آن دانسته است.

دادگاه تاریخی نور نبرگ

۶۸ سال پیش، برابر با یکم اکتبر ۱۹۴۶ میلادی، دادگاه نظامی نورنبرگ که پس از پایان جنگ جهانی دوم برای بررسی اتهامات سران حزب نازی تشکیل شده بود احکام خود را صادر کرد. این دادگاه در نوع خود منحصر به‌فرد بود زیرا برای نخستین‌بار در تاریخ فاتحان جنگ دادگاهی برای محاکمه مغلوبین جنگ تشکیل دادند و ۱۷۷ نفر از سران آلمان نازی را در این دادگاه محاکمه کردند. قضات این دادگاه از چهار کشور آمریکا، انگلستان، شوروی و فرانسه تعیین شده بودند. از مجموعه متهمانی که محاکمه شدند ۲۵ نفر محکوم به مرگ و ۲۰ نفر به زندان‌های بلند و کوتاه مدت محکوم شدند.

روز ملی چین

۶۵ سال پیش، برابر با یکم اکتبر ۱۹۴۹ میلادی، کمونیست‌های چین به فرماندهی متوسه تونگ با غلبه بر نیروهای ملی‌گرای تحت رهبری ژنرال چیان کای‌چنگ، کنترل پکن را در دست گرفتند و جمهوری خلق چین را پایه‌گذاری کردند. چیان کای‌چنگ به جای اینکه به کانتون، پایتخت موقت چین در جنوب این کشور برود، به جزیره تایوان رفت و دولت چین ملی را در آنجا تشکیل داد.

شهر ونگ

زن زیبا



پدram امیرامی

طز نویس
pedram7@gmail.com

در روزهایی که حال و حوصله و دل و دماغ چندان نداری (البته دماغ فیزیکی را تا دلشان نخواهد دارم. یعنی اگر دولت سسنگ‌اندازی نمی‌کرد و دست‌بند را به‌عنوان بخش خصوصی باز می‌گذاشت، الان با صادرات دماغ، کشور از شر وابستگی به صادرات نفتی خلاص می‌کردم) بله داشتم می‌گفتم. به زور تعهدی که به روزنامه دارم و فشار مخاطبان پر شمار و دوستانی که برای خواندن مطالب من لحظه‌شماری می‌کنند و همین الان زیر پنجره اتاقم با شعار «اگر پدram نویسه ایران قیامت میشه» تجمع مسالمت‌آمیز برگزار کرده‌اند، دست به کار پیدا کردن سسوزه برای نوشتن سستون طنز امروز شدم (البته این امروز را دارم دیروز می‌نویسم. یعنی شما دارید این را در روز چهارشنبه می‌خوانید ولی من دارم در روز سه‌شنبه می‌نویسم و امروز که الان از آن یسادم می‌کنم با امروزی که شما داشت می‌کنید متفاوت است و به قول شاعر: این روزی که می‌گم روز نیست / اگه روزه مژ اون روز نیست / امروز مژ دیروز نیست / هیچ روزی مژ امروز نیست) خلاصه... همان اوایل گلچرخ زن در اینترنت، برخورد من به این خبر: عده‌ای از مردان، بیماری «ترس از زن‌های زیبا» Venusthobia دارند!

نوسترا فوبیا دقیقاً چیست؟

تصور کنید روزی دختری بسیار با جمال و با کمالی دیده‌د و پسندیدید و رفتید خواستگاری و با شنیدن تعداد سکه‌های مهره ایشان گر خدید اما عاشق تر از آن بودید که این حرف‌ها موضع راسخ شما را از این وصلت فرخنده منصرف کند. خب مهره هم که Big

نگاه

پند نمی‌گیریم

آتوسا اسکویی | روزنامه نگار

خستهای. خیلی هم خسته‌ای. یک هفته را بگویم دیدهای و حالا عصر چهارشنبه است و می‌خواهی به خانه برسی، بیفتی روی کاناپه و به هیچ کدام از مشکلات هفته‌ای که پشت سر گذاشتی فکر نکنی. گرسنه‌ای و در این لحظه تنها آرزویت فقط یک بشقاب چلوخورشت فسنجان است. دل توی دلت نیست که وارد خانه شوی و از همان چهارچوب در، با بو کشیدن حدس بزنی برای شام چه چیزی انتظارت رامی کند.

چراغ قرمز است. از آن طولانی‌هاش. چراغ‌های نداری و همینطور بیکار پشت فرمان نشستهای. دست بر قضا شارژ موبایلت هم تمام شده و نمی‌توانی بازی کنی. ناپیه‌ها به کندی می‌گذرند. وقتی بالاخره چراغ سبز می‌شود، آن هم برای زمانی کمتر از یک دقیقه، چند ریف ماشینی‌هایی که مقابل هستند، حرکت نمی‌کنند. چرا؟ چون تک‌سر نشینند و کسی هم‌راشان نیست تا سبز شدن چراغ را گوشزد کرده و بگوید «سبز شد، برو!»

فوکوس ...



هرمان گورینگ (فرمانده نیروی هوایی)، یواخیم فون ریبنتروپ (وزیر امور خارجه آلمان) و رودولف هس (معاون آدولف هتلر) روی جلد مجله تایم، در شماره مخصوص دادگاه نورنبرگ (دسامبر ۱۹۴۵). گورینگ قبل از اجرای حکم اعدام با سپانور خودکشی کرد. ریبنتروپ را به دار آویختند و هس به حبس ابد محکوم شد. یادگشت نزدیک به ۷ دهه از برپایی دادگاه نورنبرگ، این پرسش همچنان باقی است که آیا نورنبرگ واقعا یک محکمه بی‌طرفانه زیر نظر ایالات متحده، بریتانیا، کبیر، فرانسه و شوروی برای برپایی عدالت بود یا محمل جهت از شای‌حس انتقام‌جویی-توضیح در ستون تقویم تاریخ.

کار تون شهر

نعیم تدین | کارتون‌نویس | naemator@gmail.com



ایران تا چهار سال آینده انسان به فضا می‌فرستد

۴ سال؟

خب بی‌اومدن همین امروز

با هم می‌رفتیم

کاهک

خیلی دور، خیلی نزدیک

ناخوشی‌های الک برای فرار از مدرسه سر و کله‌اش پیدا می‌شود و هر بچه‌ای در دلش آرزو می‌کند که امروز معلمشان نیاید. دوباره بچه‌های هنوز خواب‌آلود را در حیاط مدرسه به صف می‌کنند و برایشان نمایش صبحگاهی و شعرافهفته می‌خوانند و ناظم‌های مدرسه نطق‌های آتشینی درباره ضرورت توجه به مسائل انضباطی و عقابت سر به‌هوایی و بی‌توجهی به درس و مشق ایراد می‌کنند.

۵- من اما همان جامنده‌ام. در حیاط مدرسه بدر، کنار آبخوری. آن‌جا که مسئول آبخوری می‌ایستد و بعد از اتمام رنگ تفریح نمی‌گذشت دیگر کسی آب بخورد. همان‌جا که من و امیرحسین با اسناد و بیج‌های کوچکیان در دست، روزها را شماره کردیم و نتیجه گرفتیم که راه درازی تا خلاصی از درس و مشق مانده است. همانجا که سکه زرد پنج‌تومانی توی جیبم را لمس کردم دلخوش شدم که بعد از مدرسه می‌توانم تمبرندی بخرم و با همین شادی‌های کوچک منظم بمانم تا امتحان‌های ثلاث اول و امتحان‌های همه‌ثلاث‌های همه‌سال‌های بعد از آن سپری شود و بالاخره روزی برسد که دیگر از مدرسه و درس و مشق خبری نباشد. روزی مثل امروز برسد که بعد از ۲۵ سال ننه‌دانستی آموزباشم و نه دانشجو. همین امروز که وقتی از در خانه بیرون آمدم و خیل فسقلی‌های غارم مدرسه و مادرهای آب و آینه به دست را دیدم، دلم خواست برگردم به آن آبخوری و طعم آن تمبرندی. به روزهای قبل از ثلاث اول.

oves rezvanian@gmail.com



اویس رضوانیان

۱- بعد از ۲۵ سال، امسال اولین سالگی است که دانش آموز با دانشجو نیستیم. ۲۵ سال گذشت از آن روزی که من و امیرحسین، هم‌کلاس سال‌های ابتدایی‌ام، گوشه‌ای از حیاط کوچک مدرسه پیر بابیل ایستاده بودیم و همان‌طور که ساندویچ‌هایمان را به نیش می‌کشیدیم، از آرزوی مشترکمان گفتیم که مدرسه و بساط درس و مشق زودتر تمام شود. آرزو کردیم روزی بیاید که دیگر مجبور نباشیم مدرسه برویم. لحظه‌ای هر دو به این آرزوی شیرین فکر کردیم و بالاخره امیرحسین با فسوس سری تکان داد و اینطور ناامیدی‌اش را اعلام کرد که حیف، خیلی مانده است تا تمام شود. فعلا که هنوز ثلاث اول را هم نداده‌ایم. رنگ را زدند و رفتیم سر کلاس. تا پایان روز به این فکر می‌کردیم که چقدر راه دوری است تا فراغت از مدرسه، برای همیشه، وقتی هنوز آدم مناجلات ثلاث اول را هم نداده‌ایم.

۲- مهر، ماه مدرسه، از راه رسید. امروز صبح که از خانه بیرون آمدم، در هر کوچکی که چشم می‌گرداندم، تک و توک خانه‌هایی را می‌دیدم که درشان باز بود و کنلرش مادری با آب و آینه و قرآن ایستاده و فسقلی آماده به تحصیلی را بدرقه می‌کرد یا پتری که داشت سوار ماشینش می‌کرد تا بیرون به مدرسه برساندش. قیافه فسقلی‌ها ملموع‌های آن‌گرانی

در انتظار رگبار و رعدوبرق

بر اساس نقشه‌های پیش‌بینی هواشناسی از امروز با نفوذ جریان‌های خنک شمالی ضمن کاهش دما، در سواحل دریای خزر، رگبار باران گاهی با رعد و برق و وزش باد پیش‌بینی می‌شود. طی امروز در برخی از مناطق جنوب سیستان و بلوچستان، جنوب کرمان، شرق فارس و شمال هرمزگان، در بعد از ظهر تا اوایل شب افزایش ابر، وزش باد، رگبار پراکنده با رعد و برق

۲۸	۲۴	۲۸	۳۳	۴۱	۳۰	۲۸	۳۳
اراک	اردبیل	ارومیه	اصفهان	اهواز	ایلام	بجنورد	بندرعباس
۱۲	۱۳	۱۰	۱۴	۱۳	۱۶	۱۷	۲۹
۳۳	۲۴	۲۷	۳۲	۳۴	۳۵	۲۷	۳۲
پوشهر	بیرجند	تبریز	تهران	خرم‌آباد	زاهدان	زنجان	سنندج
۲۹	۱۵	۱۵	۲۰	۱۴	۱۴	۱۱	۱۲
۲۱	۳۰	۳۰	۳۴	۲۷	۲۸	۲۸	۳۰
شهرکرد	قزوین	کرمانشاه	کرمان	گرگان	رشت	ساری	کرج
۱	۱۳	۱۴	۱۶	۲۰	۱۹	۱۹	۱۴
۳۲	۳۳	۲۸	۳۶	۳۴	۳۱	۳۶	۳۵
شیراز	سمنان	همدان	قم	مشهد	یاسوج	یزد	ابوموسی
۱۶	۲۳	۱۰	۱۷	۱۶	۱۲	۲۱	۳۰